

نمونه رای فرجام خواسته ارائه شده از دیوانعالی

چکیده رای

اقرار به زوجیت محمول بر زوجیت دائم است و عدم تعیین مهریه نیز قرینه‌ای بر اثبات زوجیت دائم است.

خلاصه جریان پرونده

خانم ح.ن. به طرفیت آقای م.ض. دادخواستی به خواسته ثبت واقعه ازدواج دائم در تاریخ 92/2/21 در دادگاه عمومی شهرستان قائن (قائنات) مطرح نموده است در متن دادخواست برای اثبات دعوی به اظهارنامه‌ای که خطاب به خوانده ارسال نموده و او به وجود رابطه زوجیت اذعان نموده است استناد نموده است و به استشهادیه‌ای که در این رابطه از مسجلین ذیل آن خواسته است گواهی کند که او با خوانده ازدواج نموده است و در این مدت با او رفت و آمد به عنوان شوهر داشته است تمسک بسته است و توضیح داده است که شاهد عقد وی خ.الف. و عاقد و م.الف. و الف.ن. و الف.ن. بوده‌اند خوانده در لایحه‌ای ضمن تکذیب واقعه عقد نکاح دائم فی‌مابین گفته است خواهان برای 6 ماه صیغه اینجانب بوده است که رفت و آمد به منزل او نیز به همین جهت بوده است در مورد اجرا خطبه عقد هیچ‌کدام از شهودی که گفته است حضور نداشته‌اند شهود معرفی شده همگی برادران وی می‌باشند در مورد فرزند مشاراً لیه شود تا معلوم شود در جلسه دادرسی مورخ 92/3/4 وکیل خواهان گفته است خوانده اعتراف به DNA ازدواج نموده است ولی منکر ازدواج دائم شده در صورتی که اصل بر ازدواج دائم است و موقت بودن دلیل می‌خواهد که ندارند در خصوص فرزند پیامبر (ص) می‌فرمایند الولد للفراش فرزند در زمان فراش ایشان بسته شده است و متعلق به ایشان است خوانده گفته است در برج 5 سال 1391 در مشهد در داخل حرم یک نفر روحانی عقد موقت شش ماهه خوانده و هنوز شش ماه تمام نشده است که خانم را رها کردم و خانم یک روز زنگ زد که از شما بچه‌ای دارم اول می‌گفت بیا برویم سقط جنین کنیم من گفتم من خون وی را به گردن نمی‌گیرم اگر آزمایش نشان داد از من است خودم او را بزرگ می‌کنم و حدود سه چهار ماه بیشتر با خانم نبوده‌ام قرار بود دو قطعه عکس ببریم و صیغه نامه درست کنیم که چون خانم مرخصی نداشت فرصت نشد و نرفتیم در مشهد به جز من و خانم و همان روحانی که عقد خواند کسی نبود و روحانی را هم نمی‌شناسم دادگاه قرار استماع شهادت شهود صادر نمود وقت جهت اجرای قرار تعیین و

به طرفین ابلاغ نموده است در جلسه مورخ 92/3/19 در اوراق 22 الی 26 پرونده از سه نفر گواه
تعرفه شده تحقیق به عمل آمده در این جلسه خوانده پس از استماع اظهارات شهود گفته است من اظهارات
آقای الف. را قبول دارم من و خانم ن. باهم مدتی صحبت کردیم دو نفر باهم صحبت کردیم و
خواستگاری دیگری در کار نبوده بعد به مشهد رفتیم مادرش به زیارت رفت و من و خانم ح.ن. رفتیم در
حرم امام رضا شش ماهه صیغه عقد نکاح را خواندند یک نفر روحانی خود روحانی گفت عکس بیاورید
نامه‌ای به شما می‌دهم که داشته باشید ولی چون خانم مرخصی نداشت برگشتیم باخانم بودم در این مدت
نفقه او را می‌دادم بعد از حدود دو ماه یا سه ماه او را رها کردم و به خانه‌اش نرفتم بعد از حدود دو ماه
زنگ زد که حامله شده‌ام اصلاً مهریه‌ای تعیین نشده است خانم می‌گفت نفقه من و فرزندم را بدهد چیز
دیگر نمی‌خواهم دادگاه با اعلام ختم دادرسی به شرح دادنامه 918/92 با توجه به شرح دادخواست
خواهان و با توجه به اقرار خوانده به اصل ازدواج با خواهان و اینکه مدعی موقت بودن عقد شده ولی
دلیل و مدرکی بر اینکه عقد موقت بوده است ارائه ننموده است و با توجه به اینکه حسب فتوای حضرت
امام خمینی در استفتائات صفحه 244 سؤال 5 و موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی در اختلاف بین
دوام و موقت بودن عقد اصل بر دوام بودن نکاح است مگر مدعی موقت بودن عقد توقیت را اثبات نماید.
لذا دعوی خواهان به نظر دادگاه وارد و ثابت تشخیص داده شده و به استناد ماده مذکور و ماده 20 قانون
حمایت خانواده مصوب 91/12/1 و ماده 10 قانون ثبت احوال ضمن اثبات رابطه زوجیت دائم بین
خواهان و خوانده موصوف وی را به حضور در یکی از دفاتر رسمی ازدواج و ثبت واقعه ازدواج دائم به
شرح فوق الذکر محکوم می‌نماید از این رأی آقای م.ض. تجدیدنظرخواهی نموده است وی لایحه
اعتراضیه‌ای تقدیم نموده است که تکرار مطالب عنوان شده قبلی او در پرونده بود ضمناً اظهارات آقای
الف. سردفتری که خانم ح.ن. در دفتر او کارمند بوده است مورد پذیرش ندانسته ضمن اینکه بر وجود
رابطه زوجیت دائم فی مابین اظهاری نکرده است. و از طرفی گفته است اگر زوجه را قسم بدهند نامبرده
قسم به وجود عقد موقت خواهد کرد در خلوت نیز گفته است که قصد او این است که در شناسنامه خودش
از اسم اینجانب استفاده کند نقض رأی را خواستار شده است پرونده به شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر ارجاع
شده است هیأت شعبه به شرح دادنامه 433/92 رأی بدوی را با توجه به اینکه مقدمات انجام شده بین
تجدیدنظرخواه و تجدیدنظر خوانده قرینه‌ای به دائم بودن عقد می‌باشد زیرا آنان در حرم مقدس با سفر به
مشهد عقد را اجرا کرده‌اند مخصوصاً که برای عقد موقت چنین سفری با همراهی مادر خانم لازم نبوده
است رأی دادگاه بدوی را مدلل و استدلال به عمل آمده را صائب و موجبی جهت نقض رأی ندانسته ضمن

ردّ تجدیدنظرخواهی رأی بدوی را عیناً تأیید نموده است اکنون از این رأی آقای م.ض. فرجامخواهی نموده است که هنگام شور دادخواست فرجامی او با گزارش پرونده قرائت می‌شود.

هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده مشاوره نموده چنین رأی می‌دهد:

رای دیوان

نظر به اینکه فرجامخواه اقرار بر وجود رابطه زوجیت فی‌مابین حسب مندرجات اظهارنامه مستند دعوی و نیز در جلسات دادرسی و لوائح تقدیمی نموده است اینکه وی این زوجیت را انقطاعی دانسته است همان‌گونه که دادگاه بدوی استدلال نموده است ادّعی وی بلادلیل بوده و اقرار او بر رابطه زوجیت محمول به زوجیت دائم تلقی می‌شود خاصه که وی گفته است بین ما مهریه تعیین نشده و عقدنامه‌ای هم تنظیم نگردیده است و نتیجتاً اثبات زوجیت فی‌مابین بر اساس اقرار زوجین و با توجه به قول زوجه که در این‌گونه موارد مقدم محسوب می‌شود محقق گردیده است گرچه در مورد مهریه و میزان آن در پرونده ادعایی مطرح نشده است لیکن آنچه مسلم است طرفین عقد با اختیار و رضایت برای ازدواج مدتی رابطه متعارف زوجیت داشته‌اند که این امر مورد تأیید شهود حتی خود آنان نیز بوده است و عدم تعیین مهریه نیز قرینه بر اثبات زوجیت دائم است نه موقت و چون از حیث رعایت اصول و قواعد دادرسی بر رسیدگی‌های معموله در پرونده خدشه‌ای به‌نظر نمی‌رسد مستنداً به ماده 370 قانون آیین دادرسی رأی فرجام‌خواسته ابرام می‌گردد.

رئیس شعبه 8 دیوان عالی کشور - مستشار - عضو معاون